گزارش

## اهمیت مناظره در تعیین رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا

● مناظره و جدل بین نامزدهای ریاست‌جمهوری آمریکا به امری کاملا مرسوم تبدیل و به عبارت دیگر حتی بخشی از فرایند مبارزات انتخاباتی شده است. باور عمومی بر این است که معمولا دو نامزد نهایی که دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه انتخاب‌شان می‌کنند، در مراحل پایانی مبارزه‌های انتخاباتی، در چند جلسه با یکدیگر به بحث و گفت‌وگوی رودررو می‌پردازند تا طرفداران خود را مجاب کنند که بهترین نامزد برای هدایت کشور هستند. هدف از رقابت‌ها در مرحله اول و کاربرد مناظره‌های گروهی، کسب حمایت رأی‌دهندگان در مرحله ماقبل نهایی بود. هر داوطلب می‌خواست به مردم نشان بدهد بهترین و شایسته‌ترین فرد برای انتخابات آینده ریاست‌جمهوری است و درعین‌حال می‌خواست به حزب خود نیز این پیام را بدهد که چون مردم شایستگی‌هایش را تأیید کرده‌اند؛ بنابراین اقبال او در انتخابات بلندتر و امکان اینکه حزب او برنده انتخابات بعدی باشد، بیشتر است. درعین‌حال هم هر حزب می‌خواست قوی‌ترین نامزد با بیشترین میزان حمایت مردمی را انتخاب و نامزد حزب معرفی کند. در حقیقت پس از اینکه تعداد نامزدها به یک نفر محدود شد، مرحله دوم رقابت‌ها آغاز و با شروع این رقابت نقش و ماهیت هدف مناظره و جدل انتخاباتی نیز تغییر کرده و تخصصی‌تر می‌شود؛ هرچند ممکن است در برخی موارد سؤالاتی از مرحله اول و به صورت تکراری پرسیده شود.

**سازماندهی مناظره**

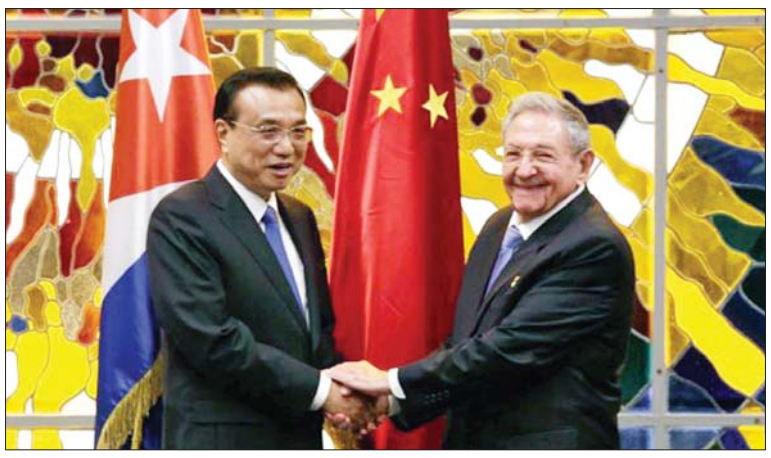
معمولا مناظره‌های انتخاباتی در آمریکا از طرف یک کمیسیون مشترک دوحزبی سازماندهی و تاریخ‌های مناظره مشخص می‌شود. این کمیسیون همچنین مکان مناظره را مشخص می‌کند که معمولا یک دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی است. در چند دهه اخیر مرسوم بوده که سه مناظره بین دو نامزد ریاست‌جمهوری و یک مناظره بین دو نامزد معاونت ریاست‌جمهوری انجام می‌شود. می‌توان تصور کرد برای میهمان‌داری مناظره بین دانشگاه‌ها رقابت‌هایی رخ می‌دهد. با توجه به نقش بسیار گسترده وسایل ارتباط جمعی و به‌ویژه رادیو و تلویزیون در آمریکا، پس از دانشگاه‌ها رقابتی هم بین رسانه‌های برجسته ملی برای اجرای مناظره‌ها وجود دارد. علاوه بر خود کانال ارتباطی (رادیو یا تلویزیون) بین مجری‌های مختلف برنامه‌ها نیز برای میانجیگری و اجرای مناظره رقابت وجود دارد. نهایتا کمیسیون دوحزبی در این مورد به توافق می‌رسد و افراد را انتخاب می‌کند. معمولا قوی‌ترین مجریان رادیو و تلویزیون برای این کار انتخاب می‌شوند. قبل از هر چیز باید توجه کرد هدف اصلی برنامه‌های مناظره و مجادله عمدتا جذب آرای مواج افرادی است که تا دو ماه قبل از انتخابات هنوز تصمیم نهایی خود را نگرفته و به اصطلاح مردد هستند. آنهایی که عضو یکی از دو حزب دموکرات یا جمهوری‌خواه هستند بعید است به نامزد طرف دیگر رأی بدهند و احتمالا در فاصله دو ماه قبل از انتخابات تصمیم خود را گرفته‌اند. البته این امکان نیز وجود دارد که فرد عضو یک حزب باشد، ولی به نامزد آن حزب رأی ندهد. در همین انتخابات فعلی، تد کروز تا روز ۲۳ سپتامبر صبر کرد تا حمایت خود را از نامزد هم‌حزبی خود دونالد ترامپ اعلام کند. مورد دیگر پرزیدنت جورج بوش (پدر) است که جمهوری‌خواه، اما مخالف ترامپ است. جورج بوش اعلام کرده به ترامپ رأی نخواهد داد. بدیهی است نظر چنین افرادی با تماشای یک مناظره تغییر نخواهد کرد و محاسبات دیگری موجب شکل‌گیری آن می‌شود. اما توجه به مناظره‌ها می‌تواند نظر یک رأی‌دهنده عادی یا یک رأی‌دهنده غیروابسته به حزب یا رأی‌دهنده جوانی را که برای اولین‌بار در انتخابات شرکت می‌کند عوض کند.

**مناظره‌های تاریخی**

مناظره نامزدها در عصر ما صددرصد محصول کار وسایل ارتباط جمعی است و معمولا خبرنگاران آن را اداره و به بیان سؤال از نامزدها می‌پردازند؛ اما بیش از ۱۵۰ سال پیش چنین نبود. در انتخابات سنای آمریکا در سال ۱۸۵۸ مناظره بین آبراهام لینکُلن و سناتور استیفن داگلاس، کاملا رودررو و بدون مجری صورت گرفت. یکی از دو نامزد مناظره را با یک سخنرانی یک‌ساعته آغاز کرد، سپس نامزد دیگر یک ساعت سخنرانی خود را ارائه و سپس نیم‌ساعت پاسخ سخنران اول را داد. بعد از او نوبت به سخنران اول رسید که پاسخ سخنران دوم را بدهد. از مهم‌ترین مناظره‌های انتخاباتی می‌توان به مورد جان‌اف‌کندی (دموکرات) و ریچارد نیکسون که پیش‌تر معاون آیزنهاور بود (جمهوری‌خواه) اشاره کرد. این اولین مناظره‌ای است که در سطح ملی و از طریق برنامه تلویزیونی از استودیوهای چندین تلویزیون پخش مستقیم شد و گروهی از خبرنگاران مناظره را اداره و میانجیگری می‌کردند. این دو نفر چهار مناظره داشتند و اتفاقا اولین مناظره کندی- نیکسون هم در روز ۲۶ سپتامبر (روزی که هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ مناظره دارند) انجام شد. کندی ۴۳ساله، جوانی خوش‌سیما و مسلط و خونسرد بود و در برنامه تلویزیونی خوش درخشید و گفته می‌شود نیکسون حالتی عصبی داشت و عرق می‌ریخت و همین امر تصویری منفی از او در بینندگان ایجاد کرد؛ درحالی‌که کسانی که همین برنامه را از طریق رادیو شنیده بودند به ریچارد نیکسون گرایش داشتند و تحت تأثیر جان‌اف کندی قرار نگرفته بودند.

اولین سفر یک نخست‌وزیر از چین به کوبا در ۵۶ سال گذشته

# ترک هاوانا با دستان پُر



۵۰ سال پیش، چین از مجمع‌الجزایر دریای کارائیب دور بود و هیچ توسعه اقتصادی چشمگیر یا سود و منفعتی هم این کشور را به سرمایه‌گذاری در آمریکای لاتین ترغیب نمی‌کرد. حالا اگرچه فاصله جغرافیایی چین با آن بخش از جهان کاهش نیافته اما روابط تجاری پکن با کشورهای آمریکای لاتین روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. کوبا یکی از کشورهایی است که در سال‌های گذشته به یکی از مقاصد عمده سرمایه‌گذاران چینی تبدیل شده است؛ چین حالا دومین شریک تجاری کوبا پس از ونزوئلا و اصلی‌ترین کشور وام‌دهنده به این کشور است. اگرچه در سال‌های گذشته رئیس‌جمهوری چین دو بار و آخرین‌بار در سال ۲۰۱۴ به هاوانا سفر کرده بود و رائول کاسترو، رئیس‌جمهوری کوبا هم یک بار به چین سفر کرده بود اما روز شنبه «لی کچیانگ» به عنوان اولین نخست‌وزیر چین که در ۵۶ سال گذشته به کوبا سفر کرده است، برای یک سفر دوروزه وارد هاوانا شد و با «رائول کاسترو» رئیس‌جمهور این کشور دیدار کرد. نخست‌وزیر چین در جریان این سفر گفت زمان آن رسیده که چین وارد مسیر تازه‌ای در روابط خود با کوبا شود و روح تازه‌ای به این روابط دمیده شود.

به گزارش رسانه‌های دولتی کوبا، در این دیدار، رهبران دو کشور بر امضای حدود ۳۰ توافق‌نامه همکاری اقتصادی در بخش‌های مختلف، نظارت داشتند. آن‌طورکه آمارهای رسمی کوبا نشان می‌دهد، در ۹ ماه اول سال ۲۰۱۵ دو کشور یک‌میلیاردو ۶۰۰ میلیون دلار تبادلات تجاری داشته‌اند که نسبت به سال پیش از آن حدود ۵۷ درصد افزایش داشته است. لی در مصاحبه با روزنامه گرانما گفت با هدف تعمیق روابط دو کشور، ایجاد زمینه‌های جدید همکاری اقتصادی و تقویت اعتماد سیاسی متقابل به کوبا سفر کرده است. تلویزیون دولتی کوبا هم اعلام کرد دو کشور برای همکاری در زمینه‌های علم، محیط زیست، صنعت، انرژی، بهداشت عمومی و بخش‌های کشاورزی توافق‌نامه‌هایی را امضا کرده‌اند. نخست‌وزیر چین در حالی روز گذشته با دست پُر کوبا را ترک کرد که سال ۲۰۱۴ و در سفر رئیس‌جمهوری چین به هاوانا هم ۲۹ توافق‌نامه تجاری و اقتصادی میان دو کشور به امضا رسید. روابط پکن و هاوانا اگرچه در یک دهه گذشته سیر صعودی داشته اما در دهه‌های اخیر فراز و فرودهای بسیاری داشته است.

**فرازوفرودهای یک رابطه**

بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ روابط تجاری چین و کوبا به‌سرعت به شرایط مطلوبی رسید بااین‌حال انقلاب فرهنگی در این کشور آسیایی منجر به کاهش روابط با کوبا شد و این امر تا آغاز سال ۸۰ میلادی ادامه داشت. از سال ۱۹۸۸ با ایجاد کمیسیون بین‌دولتی برای روابط تجاری و اقتصادی، مرحله جدیدی از روابط دو طرف آغاز شد. در پی دور جدید روابط، در دهه ۹۰ میلادی چین جایگاه دوم و سوم را میان کشورهایی داشت که کوبا محصولاتشان را وارد می‌کرد. علاوه‌براین، در این دوره دشوار برای کوبا، چین با به‌تعویق‌انداختن پرداخت بدهی کوبا در سال ۱۹۹۵ موافقت کرد و وام‌های تجاری بیشتری را به این کشور ارائه کرد. از سال ۲۰۰۰ روابط تجاری دو کشور هرروز بیش‌ازپیش بوده است و در سال ۲۰۰۵ چین در حدود ۱۰ درصد از تجارت خارجی کوبا مشارکت داشت و به دومین شریک تجاری کوبا بدل شد و تا امروز این روابط رو به گسترش است. دراین‌میان آن‌طورکه رویترز نوشته، کوبا از زمانی که دولت برای بهبود فضای کسب‌وکار اصلاحات اقتصادی را در دستور کار قرار داد و دو سال پیش هاوانا و واشنگتن پس از دهه‌ها خصومت روابط خود را از سر گرفتند، تبدیل به مقصد پرطرفدار گردشگران، سرمایه‌گذاران خارجی و سران دیگر کشورها شد. روابط تجاری کوبا و چین در حالی گسترده‌تر می‌شود که به اعتقاد برخی ناظران، ایالات متحده با هدف جلوگیری از نفوذ چین در کوبا تصمیم گرفت روابط خود با هاوانا را از سر بگیرد. چین تقریبا تمام بازار قاره آمریکا را از آن خود کرده و حتی مناسبات تجاری ایالات متحده آمریکا را نیز تحت‌تاثیر قرار داده است.

کاخ سفید به این نتیجه رسیده است که چین علاوه بر حضور اقتصادی خود در این کشورهای بحران‌زده، که نیاز به کمک‌های مالی قدرت‌های بزرگ دارند، بحث حضور نظامی و سیاسی به عنوان یک ابرقدرت جهانی در سال‌های آینده را در نظر دارد و می‌تواند به بهانه کمک مالی منافع آمریکا را در خطر بیندازد. در واقع در این صورت آمریکا در محاصره کشورهای هم‌پیمان با چین قرار می‌گیرد. علاوه بر چین، ژاپن نیز به دنبال گسترش روابط خود با این کشور آمریکای لاتین است و در همین راستا کمی پیش‌تر در هفته گذشته، «شینزو آبه»، نخست‌وزیر ژاپن برای نخستین‌بار از کوبا دیدار کرد. او در این دیدار از تمایل ژاپن به تعمیق روابط با کوبا خبر داد. روز گذشته هم نخست‌وزیر ژاپن پشت درهای بسته با برادران خاندان کاسترو دیدار کرده بود.

سران کشورهای اروپایی برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی گرد هم آمدند

## پایان دوران درهای باز

نشست کشورهای حوزه بالکان و همچنین اتریش و آلمان که به «کشورهای جاده بالکان» معروف شده‌اند، با موضوع بحران پناه‌جویان در وین برگزار شد. حضور «آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، در این نشست در حالی است که حزب او در انتخابات ایالتی اخیر برلین به دلیل سیاست‌های او درباره پناه‌جویان شکست خورده و این موضوع اهمیت این نشست را دوبرابر کرده بود.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این نشست با حضور سران یا نمایندگان ۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپا و با ابتکار « کریستین کرن»، صدراعظم سوسیال-دموکرات اتریش برگزار شد. صدراعظم اتریش، پیش از آغاز نشست وین در گفت‌وگویی اعلام کرد که افزایش کنترل مرزهای خارجی اتحادیه اروپا، حمایت از کشورهای همسایه که پذیرای پناه‌جویان هستند و حمایت مالی از کشورهای آفریقایی، سه محور اصلی نشست وین است.



صدراعظم آلمان در سخنرانی خود در این نشست تأکید کرد که بازگرداندن پناه‌جویانی که هیچ چشم‌اندازی برای اقامت در اروپا ندارند، باید تسریع شود. در این راستا باید پیش‌نویس توافق‌هایی با کشورهای شمال آفریقا و همچنین پاکستان و افغانستان هرچه‌زودتر آماده شود.

او همچنین خواستار شد که توافق‌نامه‌هایی مشابه آنچه با ترکیه انجام شده، با مصر نیز انجام شود. او تأکید کرد: «هدف ما مبارزه با مهاجرت غیرقانونی و تقویت قانون‌گرایی است».

«دونالد تاسک»، رئیس شورای اروپا که او نیز در نشست وین حضور داشت، در بدو ورود به این شهر به خبرنگاران گفت در این نشست اعلام خواهد شد که جاده کشورهای بالکان به روی پناه‌جویان بسته شده و بازسازی سیستم کنترل مرزهای خارجی اتحادیه اروپا در اولویت قرار دارد. درحالی‌که از اوج‌گیری بحران پناه‌جویان در اروپا یک سال می‌گذرد و اروپا به سیاست «درهای باز» خود پایان داده، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد اعلام کرده که در سال جاری میلادی تاکنون ۳۰۰ هزار پناه‌جو از آب‌های مدیترانه برای رسیدن به اروپا به‌ویژه ایتالیا عبور کرده‌اند.

البته این تعداد بسیار کمتر از آمار سال گذشته اما بیشتر از آمار سال ۲۰۱۴ است. فقط در ۹ ماه اول سال ۲۰۱۵ حدود ۵۲۰ هزار پناه‌جو وارد اروپا شدند. ده‌ها هزار پناه‌جو تا ماه مارس گذشته، از «جاده بالکان» که از یونان آغاز شده و به سوی غرب اروپا ادامه دارد، عبور کردند. صدها پناه‌جو هم‌اکنون نیز تلاش می‌کنند با عبور از این جاده، بخت خود را بیازمایند، اما تدابیر امنیتی و موانع موجود در مرزها شدیدتر از گذشته شده است.

نویسنده اردنی متهم به توهین به اسلام به ضرب گلوله کشته شد

## ترور پیش از محاکمه

«ناهض حتر»، نویسنده سرشناس اردنی، مقابل ساختمان دادگاهی در امان به ضرب گلوله کشته شد. او قرار بود روز گذشته به اتهام توهین به اسلام به خاطر انتشار کاریکاتوری در صفحه فیس‌بوکش محاکمه شود. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه اسکای‌نیوز عربی، ناهض حتر، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اردنی که طرفدار دولت سوریه محسوب می‌شود و مخالفان زیادی در اردن داشت، دو هفته بعد از آزادی از زندان با قرار وثیقه مالی در پی انتشار کاریکاتوری که اهانت به ذات الهی قلمداد شده بود، مقابل دادگستری امان هدف سه گلوله از سوی فردی مهاجم قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

شاهدان عینی نیز به خبرگزاری فرانسه گفتند: فرد مسلح ناشناسی به سوی حتر در برابر کاخ دادگستری در منطقه «عبدلی» در وسط امان شلیک کرد. او پیش‌تر نیز ترور شده بود اما تاکنون جان سالم به در برده بود. پلیس می‌گوید توانسته فرد مهاجم را دستگیر کند اما هنوز از انگیزه ضارب اطلاعی در دست نیست.



دادستان کل امان اتهامات این نویسنده چپ‌گرا را «اهانت به عقاید دینی» و «برانگیختن اختلافات مذهبی» اعلام و انتشار اخبار در این پرونده را ممنوع کرده بود، این در حالی است که حتر در آن زمان این اتهامات را رد کرد و خود را بی‌گناه دانست. او می‌گفت این کاریکاتور تروریست‌ها را به تمسخر گرفته و تصور آنها از خداوند و بهشت را نشان می‌دهد و این اهانت به ذات الهی نیست بلکه خداوند از مفهوم الوهیتی که داعشی‌ها ترویج می‌کنند، به‌دور است.

او قبل از اینکه صفحه شخصی خود را ببندد، به کسانی که از دست او عصبانی بودند گفته بود: افراد درک نمی‌کنند این تمسخر تروریست‌هاست و ذات الهی منزه از تخیلات تروریست‌هاست و آنها یعنی منتقدان از نظر من محترم هستند. او افزوده بود: داعشی‌ها فکر بیماری دارند. آنها از این تصویر برای تسویه‌حساب‌های سیاسی استفاده می‌کنند که هیچ ارتباطی به آنچه آنها ادعا می‌کنند، ندارد.

پس از این ترور، محمد مؤمنی، وزیر مشاور در امور اطلاع‌رسانی و سخنگوی رسمی دولت اردن، جنایت صورت‌گرفته علیه روزنامه‌نگار برجسته اردنی را محکوم کرد. محمد مؤمنی به خبرگزاری «بترا» گفت: ما به دستگاه قضائی اردن و سیستم‌های عالی امنیتی آن در مؤاخذه عامل این جنایت و پیگیری مسئله اعتماد داریم. کسی که دست به این جنایت زده قصاص عادلانه خواهد شد تا عبرتی برای کسانی باشد که فکر چنین جنایتی را در سر دارند.

## توافقی دو سر بُرد برای اوباما

با وجود گزارش‌های مبنی بر رابطه بد بین «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری آمریکا و «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل، طرفین توافق‌نامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن ایالات متحده متعهد شد بزرگ‌ترین کمک نظامی خود در تاریخ را به اسرائیل بدهد. این توافق کمک‌های آمریکا به اسرائیل را از سالی ۳۰۱ میلیارد دلار به سالی ۳۰۸ میلیارد دلار افزایش داد.

برای توجیه این سخاوتمندی، مقامات و مسئولان آمریکایی تهدید ایران و داعش را بهانه کردند. «سوزان رایس»، مشاور امنیت ملی آمریکا، گفت توافق مربوط به کمک‌ها موجب می‌شود «اسرائیل حمایتی را که برای دفاع از خودش نیاز داشت، به دست آوَرَد»؛ اما چنین کمک‌هایی به آن حدی نمی‌رسد که نتانیاهو سال گذشته در برابر پارلمان اسرائیل گفت: «بعضی از من می‌پرسند آیا ما باید تا ابد با شمشیر زندگی کنیم؟ جواب من این است که آری».

در واقع اسرائیل در یک حالت درگیری نظامی دائمی است و ازهمین‌رو به ایالات متحده تکیه کرده است. در اثنای مذاکرات طرفین درباره همین معامله تسلیحاتی بود که اسرائیل غزه را بمباران و اعلام کرد شهرک‌سازی‌هایش را در شهر فلسطینی الخلیل توسعه خواهد داد. نتانیاهو مانند بسیاری دیگر از مقامات بلندپایه آمریکایی و اسرائیلی تأکید دارد که تل‌آویو باید بر همه همسایگانش در سراسر منطقه برتری نظامی داشته باشد. طبق تصور او اسرائیل باید بتواند اهداف خود را اعم از اشغال، الحاق اراضی و تحمیل محاصره‌های اقتصادی تحقق بخشد.

البته ایالات متحده آمریکا نیز از این توافق سود می‌برد؛ زیرا نیروی نظامی اسرائیل قادر خواهد بود دولت‌ها و جریان‌های مخالف با سلطه آمریکا را در منطقه سرکوب کرده یا مهار کند. «یائیر لپید»، سیاست‌مدار اسرائیلی، دراین‌باره کاملا روشن صحبت کرد و در هفته‌نامه «فارین پالیسی» نوشت: «همکاری آمریکا و اسرائیل می‌تواند سیاست فعال و کارآمدی را در خاورمیانه به پیش ببرد». او افزود: «اسرائیل یک پایگاه پیشرفته برای غرب در منطقه خاورمیانه است». البته این چیز جدیدی نیست. دولت آمریکا از مدت‌ها پیش بر برتری نظامی اسرائیل تکیه داشته و به این وسیله منافعش را در خاورمیانه حفظ کرده است. از سال ۱۹۸۹ آمریکا شروع به ذخیره‌سازی اسلحه در اسرائیل کرد تا بتواند از آن در منازعات احتمالی خاورمیانه استفاده کند. ایالات متحده به اسرائیل اجازه داد حتی در زمانی که ارتش اسرائیل نیازمند بود، به ذخایر تسلیحاتی آمریکا دسترسی داشته باشد. در خلال جنگ اسرائیل و لبنان در سال ۲۰۰۶ و جنگ غزه در سال ۲۰۱۴ نیز این اتفاق افتاد. حتی پیش‌ازآن وقتی «جمال عبدالناصر»، رئیس‌جمهوری مصر، جریان ناسیونالیسم عربی را در منطقه در چالش با نفوذ آمریکایی-اروپایی به راه انداخت، اسرائیل ثابت کرد یک دژ غربی کاملا پیشرفته است و پیروزی در جنگ ۱۹۶۷ نیز آن را به اثبات رساند.

دراین‌میان شرکت‌های بزرگ اسلحه‌سازی آمریکا نیز دستاوردها و سودهای کلانی در نتیجه این همکاری آمریکا و اسرائیل به دست آوردند؛ زیرا آمریکا بخشی از کمک‌ها به اسرائیل را بر مبنای سندهای هزینه‌شده در شرکت‌های اسلحه‌سازی آمریکا داده است. به عبارتی دیگر بخشی از این کمک‌ها در همان آمریکا هزینه شده و به جیب شرکت‌های «ریتیون»، «بوینگ» و «لکهید مارتن» خواهد رفت و این سودهای کلانی است که شرکت‌های آمریکایی به دلیل توافق‌نامه‌های یادشده به دست خواهند آورد؛ اما چیزی که باقی می‌ماند، جوهر توافق‌نامه‌های کمک آمریکا به اسرائیل است و آن این است که ایالات متحده متعهد می‌شود توازن قوای نظامی کنونی را در خاورمیانه حفظ کند که این یعنی حفظ برتری نظامی و کیفی اسرائیل بر دیگر قدرت‌ها در سرتاسر منطقه. ایالات متحده آمریکا تا آنجا پیش رفته که این مسئله را به قانون تبدیل کرده است؛ به‌نحوی‌که از آن به عنوان «قانون نظارت بر صادرات اسلحه» یاد می‌شود و نباید فروش هرگونه سلاح به همسایگان اسرائیل به حدی یا وضعی برسد که با این قانون تناقض داشته باشد. در این قانون به صراحت تأکید شده است هرگونه فروش سلاح به کشورهای خاورمیانه نباید «تأثیری منفی بر برتری نظامی اسرائیل داشته باشد». هدف از امضای توافق‌نامه تسلیحاتی جدید حمایت از اسرائیل در برابر به‌اصطلاح «همسایگان خطرناک» این رژیم بود، نه چنانکه گاه وانمود می‌شود در حمایت از «یک دولت دموکراتیک»! هدف از ارسال این سلاح‌ها به اسرائیل آن است که [این رژیم] همچنان قدرت تجاوزگری خود را حفظ کرده و درعین‌حال نفوذ آمریکا در منطقه را تقویت کند.

درباره دلایل اصلی امضای این توافق چند نکته مهم را می‌توان در نظر داشت:

۱- تلاش همکاران اوباما برای اینکه این توافق بخشی از میراث ریاست‌جمهوری او باشد و بگوید روابط آمریکا با اسرائیل در خاورمیانه یک رابطه استراتژیک است.

۲- اینکه اوباما جوابی برای انتقادات جمهوری‌خواهان داشته باشد که می‌گفتند دولت او توجه کافی به امنیت اسرائیل و منافعش نمی‌کند.

۳- حمایت از نامزدی هیلاری کلینتون در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده از سوی لابی اسرائیل در آمریکا.

به‌هرحال با امضای این توافق‌نامه اوباما نشان داد خلاف وعده‌هایی که برای فعال‌کردن روند صلح بین اسرائیل و فلسطینی‌ها داده بود، او نیز مانند پیشینیانش به همه این وعده‌ها پشت کرده و ارتباط با اسرائیل را بر هر چیز دیگری ترجیح داده است.

*منبع: الخلیج / الجزیره

رویداد

## بازداشت مظنون به تیراندازی در واشنگتن

● مظنون به تیراندازی در یک مرکز خرید در ایالت واشنگتن که پنج کشته در پی داشت، دستگیر شد؛ فرد بازداشت‌شده ۲۰ ساله و نام او «ارجان چتین» عنوان شده است. یکی از سخنگویان پلیس ایالتی واشنگتن، در حساب کاربری خود در توییتر، تصویری از فرد بازداشت‌شده منتشر کرده است. هنوز هدف مظنون بازداشت‌شده مشخص نیست.

## تلاش سارکوزی برای دلجویی از مسلمانان فرانسه

● نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه، با عقب‌نشینی از اظهارات جنجالی پیشین خود گفت، اجداد ما و مسلمانانی که برای دفاع از فرانسه جان خود را از دست دادند باارزش هستند. سارکوزی برای رفع سوءتفاهمات گفت: حرف من یک معیار وطن‌پرستی برای مهاجران مسلمان در فرانسه بوده است. اجداد ما فرانسوی بودند، آنها پادشاهان فرانسه، روشنفکر، افرادی از قبیل ناپلئون و جمهوری‌خواه بودند.

## انفجار انتحاری در بغداد با ۳۵ کشته و زخمی

● در انفجاری انتحاری که تجمعی را در منطقه اسکان در غرب بغداد هدف قرار داد، هفت نفر کشته شده و حدود ۲۸ نفر زخمی شدند. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه خبری روسیا الیوم، در بیانیه فرماندهی عملیات بغداد آمده است: این عامل انتحاری، تجمعی از شهروندان را در ورودی دانشکده «المامون» در منطقه اسکان هدف قرار داده است.

## رهبر بوکوحرام: من زنده‌ام

● ابوبکر شیکاو، رهبر گروه شبه‌نظامی بوکوحرام، در ویدئویی حدودا ۴۰ دقیقه‌ای گفت: شما در شبکه‌های اجتماعی شایعه کردید که من را مجروح کرده یا کشته‌اید، اما به شما مستبدان می‌گویم که من کاملا سرحال و سالم هستم و در امنیت به‌سر می‌برم. پیش‌تر ارتش نیجریه اعلام کرده بود شیکاو و دیگر شبه‌نظامیان ارشد بوکوحرام در تاریخ جمعه ۲۳ آگوست به هنگام جمع‌شدن برای نماز در یک حمله هوایی هدف قرار گرفتند.

## درخواست برای آتش‌بس ۴۸ ساعته هفتگی در سوریه

● هماهنگ‌کننده امور انسانی سازمان ملل خواهان برقراری آتش‌بس ۴۸ ساعته در هر هفته برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در سوریه شد. به گزارش ایسنا، به نقل از سایت الحدث، استفان اوبراین، هماهنگ‌کننده امور انسانی سازمان ملل، در سخنانی گفت: چیزی که ما در سوریه به آن نیاز داریم، آتش‌بس هفتگی ۴۸ ساعته برای رساندن کمک‌هاست. اوضاع امنیتی در حلب مانع رسیدن کمک‌ها به دست غیرنظامیان می‌شود. شهر حلب و حومه آن همچنان صحنه درگیری‌های شدید میان ارتش سوریه و شورشیان است.

## مختومه‌شدن پرونده پول‌شویی پسر اردوغان

● دادستان‌های ایتالیا به تحقیقات در پرونده پول‌شویی پسر رئیس‌جمهوری ترکیه خاتمه دادند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، این تصمیم دادستان‌ها باید به صورت نمادین به تأیید یک قاضی ارشد برسد و شش هفته پس از آن صورت می‌گیرد که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، در یک برنامه تلویزیونی گفت که پسرش، بلال، هدف سوءرفتار سیستم قضائی ایتالیا قرار گرفته است. بلال اردوغان ۳۵ ساله متهم بود در زمان تحصیل در این کشور در پول‌شویی مشارکت کرده است.

## جانشین مشعل سال آینده انتخاب می‌شود

● خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی «حماس»، اعلام کرد که این جنبش قصد دارد انتخابات داخلی خود برای انتخاب رئیس دفتر سیاسی جدید را برگزار کند و رئیس جدید دفتر سیاسی سال آینده انتخاب خواهد شد. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، براساس آیین‌نامه داخلی جنبش حماس، خالد مشعل پس از ۲۰ سال ریاست دفتر سیاسی، دیگر نمی‌تواند برای دوره‌ای دیگر به‌عنوان رئیس این دفتر انتخاب شود.

## وعده جدید آمریکا برای حل بحران فلسطین

● منابع آمریکایی اعلام کردند که «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا، در دیدارش با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، مسئله پایان دوران ریاست جمهوری «باراک اوباما»، رئیس‌جمهور آمریکا، را مورد بررسی قرار داده و اعلام کرده که «ما می‌توانیم در دو ماه آینده به دستاوردهایی دست پیدا کنیم». به گزارش ایسنا، این در حالی است که تل‌آویو نسبت به ارائه هرگونه طرح صلحی در مدت باقی‌مانده از ریاست‌جمهوری اوباما تردید کرده بود.